

بازپژوهی مؤلفه‌های شیعی آیین فتوت

* حسین پولادیان
** فرامرز خجسته
*** زهرا انصاری

چکیده

فتوت به مثابه خرده‌فرهنگی پرتوان در گستره تمدنی ایران، در طول تاریخ، گفتمان‌های متکثری را پدید آورده است. کاوش منابع و متون اصیل فتوت نشان می‌دهد که دیدگاه‌ها و عناصر شیعی، افزون بر ایجاد گونه خاصی از فتوت در حکم گفتمانی شیعی، بر جریان‌ها و گفتمان‌های دیگر این خرده‌فرهنگ هم عمیقاً تأثیر گذاشته است. این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی، پژوهش در منابع کهن و اصیل فتوت، این پرسش را طرح خواهد کرد که مؤلفه‌های گفتمانی فتوت همچون خرده‌فرهنگی آرمانی - شیعی به چه کیفیتی در این متون نوشتاری و بافت اجتماعی - تاریخی بازنموده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که صبغه شیعی فتوت در سه محور قدسی‌سازی مراد و قطب و تجلی انسان کامل در سیمای امام علی علیه السلام؛ عدالت‌گرایی و ستم‌ستیزی؛ و حمایت‌گری و دفاع از ضعیفان و پاسداشت اخلاق در زندگی اجتماعی و محیط شهری تحت نام منش پهلوانی تجلی و تبلور یافته است.

واژگان کلیدی

فتوت، تشیع، علی علیه السلام، ورزش زورخانه‌ای، مبارزه سیاسی.

h.pouladian@ymail.com

faramarz.khojasteh@gmail.com

ansari.zahra@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۰

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان.

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان. (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

طرح مسئله

ایرانیان در طول تاریخ کهن خویش، پشتیبانی از نیازمندان و فروافتادگان، مقاومت در برابر بیگانگان، مبارزه علیه بیدادگران، عدالت‌خواهی، مظلوم‌نوازی و خلوص در پندار، گفتار و کردار را در مکتب آیین جوانمردی آموخته و آن را چراغ راه زندگی فردی و اجتماعی خویش قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد قبل از اسلام، این جریان از منابع فکری، آیینی و اخلاقی ادیان میترائیسم و مزدیسنا تغذیه کرده و بالیده و بالنده شده است و از جنبش‌های اجتماعی مزدک و مانی تأثیر عمیق پذیرفته است؛ ضمن اینکه با گروه‌های عیاری و آیین پهلوانی نیز پیوندی تنگاتنگ داشته است. با ورود اسلام به ایران، آیین جوانمردی که به «فتوت» موسوم گردید به دلیل ریشه داشتن در فرهنگ دینی، با دین اسلام همسو و همساز گردید و بن‌مایه‌های فکری و اخلاقی اسلام را در درون خود پذیرا شد. تأکید بر فضایل اخلاقی در قرآن مجید، سخنان پیامبر اسلام ﷺ و دیگر ائمه به اشکال و روش‌های گوناگون بازتاب یافته است و این دو منبع ارزشمند؛ یعنی قرآن و سنت نبوی در حکم منابعی موثق و بنیادین برای شناخت فتوت اسلامی به شمار می‌روند.

سیر تاریخی پرفراز و نشیب و طولانی آیین فتوت، باعث شده است به تدریج از مفهومی فردی به نهادی عقیدتی، سیاسی و اجتماعی تغییر ماهیت بدهد و با بسیاری از مذاهب، مشارب و نحله‌های فکری و گروه‌های اجتماعی ارتباط برقرار نماید. گاه بر آنها تأثیر بگذارد و گاه از آنها متأثر شود. این موضوع را می‌توان در قرابت فتوت با آیین تصوف، ملامتی‌گری، جریان فکری - علمی اخوان‌الصفاء، مذهب تسنن و گروه‌های اجتماعی اصناف و عیاران مشاهده نمود.

تردید وجود ندارد که بخشی از بنیان‌های فکری، مناسک و تحولات سیاسی و اجتماعی آیین فتوت منبعث از تشیع است. این موضوع به مفهوم شیعه بودن همه عیاران و جوانمردان در طول تاریخ نیست، بلکه مقصود آن است که تشیع از جمله آیشخورهای اندیشگی و معنوی فتوت بوده است. جایگاه منبع و رفیع حضرت علی علیه السلام در بین فقیهان و نقل روایات متعدد از آن امام همام و امام جعفر صادق علیه السلام در فتوت‌نامه‌ها، معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان خاتم‌الفتیان از سوی برخی نویسندگان فتوت‌نامه‌ها، تبلور باورهای شیعی در پاره‌ای مناسک تشریف به جرگه فقیهان، شیعه بودن بسیاری از بزرگان فتوت؛ به‌ویژه در عهد الناصر لدین‌الله، نبردهای دائمی فقیهان شیعی و سنی عراق در طول دوران خلافت اموی و عباسی، شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی جوانمردان شیعی؛ همچون سردارویه و ترویج و تبلیغ عقاید شیعی در ورزش‌های زورخانه‌ای همگی دلالت بر تأثیرپذیری آیین فتوت از مذهب تشیع دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان قائل به شکل‌گیری گونه خاصی از فتوت، تحت

عنوان «گفتمان شیعی فتوت» بود. به دلیل پیوند ناگسستنی این دو جریان دوران‌ساز در شکل‌گیری تحولات تاریخ اجتماعی ایران ضروری به نظر می‌رسد که جنبه‌های ناشناخته این موضوع، به‌ویژه مبانی و مؤلفه‌های شیعی آیین فتوت بازشناسی و معرفی گردد. بی‌تردید بررسی نقش تشیع در آیین فتوت، باعث غنابخشی و بالندگی مطالعات حوزه تاریخ اجتماعی ایران؛ به‌ویژه تاریخ تشیع می‌گردد.

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیق جامعی در خصوص پیوند فتوت و تشیع صورت نگرفته است، با این حال مهم‌ترین تحقیقات نزدیک به موضوع را می‌توان چنین برشمرد. پرتو بیضایی کاشانی (۱۳۳۷)، انصاف‌پور (۱۳۵۳) و تهرانچی (۱۳۶۴) به ترتیب در کتاب‌های: **تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های زورخانه‌رو، تاریخ ورزش باستانی ایران و پژوهش‌هایی در ورزش‌های زورخانه‌ای** کلیاتی را در خصوص تأثیرپذیری زورخانه از تشیع بیان کرده‌اند. کامل مصطفی شیبی در کتاب **همبستگی میان تصوف و تشیع** (۱۳۵۹) ریشه فتوت را تشیع و زادگاه آن را کوفه می‌داند و به بیان برخی خصوصیات جوانمردانه علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام می‌پردازد. هانری کرین در مقدمه کتاب **آیین جوانمردی** (۱۳۶۳) از چشم‌اندازی شیعی، پایه اسلام ایرانی را مبتنی بر دو اصل اعتقادی می‌داند: یکی نبوت که همانا رسالت پیامبر است؛ و دیگری ولایت که تجلی آن در امامان است. پس از دور نبوت، ولایت آغاز می‌شود. به زعم کرین فتوت جامع نبوت و ولایت است و پایه‌گذارش حضرت ابراهیم علیه السلام، قطب آن امام علی علیه السلام و خاتم آن حضرت حجت علیه السلام است.

ذکاوتی قراگزلو در مقاله «فتوت و تشیع» (۱۳۸۱) به معرفی برخی از بزرگان فتوت شیعی پرداخته و به پاره‌ای از جریان‌های اجتماعی که موجب ستیز و دشمنی فتیان شیعی و سنی شده اشاره‌ای گذرا داشته است. علی‌اکبر ولایتی در جلد دوم کتاب **دانش‌نامه جوانمردی** (۱۳۹۴) به جنبش شیعی سربداریه پرداخته‌اند. محمد مشهدی نوش‌آبادی در مقاله «جایگاه علی علیه السلام در فتوت‌نامه‌های قرون پنجم تا هشتم و گرایش شیعی در تحفه‌الآخوان» (۱۳۹۵) با بهره‌گیری از نظریه ادبی بینامتنیت به بررسی شخصیت علی علیه السلام در گستره متداخلی از حوزه‌های معماری، ادبیات، فرهنگ عامه و تصوف پرداخته است. مریم اسفندیاری و شهره انصاری در مقاله «سبک فکری فتوت‌نامه‌ها و قلندرینه‌ها» (۱۳۹۷) میزان، دلایل و چگونگی استفاده از نام شخصیت‌های دینی و ملی ایرانی را در متون فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساربه بیان کرده‌اند.

اگرچه برخی از پژوهش‌هایی که به آنها اشاره شده، به وجوهی از پیوند فتوت و تشیع پرداخته‌اند؛

اما در هیچ‌یک از این آثار، مبانی و مؤلفه‌های شیعی آیین فتوت به‌طور جامع مورد تحلیل و واکاوی قرار نگرفته است.

واژه‌شناسی فتوت

فتوت برگرفته از واژه عربی فتی است. فتی، در لغت به معنی جوان، جوان نورسیده و تازه‌جوان است و کسی را گویند که پای در دوران جوانی نهاده و روزگار خوش شباب را آغاز کرده است.^۱ دهخدا آن را بر وزن سماء، به معنی جوانی، جوان شدن و جوانمردی نمودن می‌داند.^۲ فیروزآبادی آن را از ریشه فناء به معنی جوانی می‌داند و معتقد است که لفظ فتوت معنی بزرگواری و کرم را می‌رساند.^۳ کربن معنی لغوی و اصطلاحی فتی و فتوت را این‌گونه توضیح می‌دهد:

واژه عربی «فتا» که جمع آن فتیان است، بر مفهوم جوانی - از شانزده تا سی‌سالگی - دلالت می‌کند. جوانمردی که معادل فارسی فتوت است، همان جوانی است و مفهوم دقیق لغوی آن، دوره جوانی از حیث جسمانی است؛ اما معنای مجازی آن «سالک» یا زایر معنوی است که به منزلگه دل رسیده باشد؛ یعنی حقیقت باطنی انسان را درک کرده و در نتیجه به مرحله جوانی جاودانه روح نایل گردیده باشد. جوانی از لحاظ جسمانی به معنای رسیدن به کمال و شکفتگی ظاهری و جسمانی است و از لحاظ معنوی به معنای شکوفایی کامل خصلت‌ها و نیروهای درونی اوست.^۴

فتی پیش از اسلام، فردی بود که آرزوی او محافظت از شرف و حیثیت خود و قبیله‌اش بود و پس از ظهور اسلام عضو گروه و جماعتی شدند که برای این منظور تشکیل شد.^۵ واژه فتوت در میان اعراب قرن دوم هجری قمری، به منزله یکی از ویژگی‌های فتی به کار گرفته شده و معادل کلمه «مروت» بود که در میان اعراب به‌منزله خصلتی پسندیده، مورد ستایش اکثریت مردم بود.^۶

در سده‌های سوم و چهارم، آیین فتوت با تصوف اسلامی درآمیخت. در نتیجه این درهم‌آمیختگی، در بسیاری از متون معتبر عرفانی نظیر *اسرار التوحید*، *نامه‌های عین القضاة* و *تذکرة الاولیا*، واژه

۱. کاشفی سبزواری، «مقدمه»، *فتوت‌نامه سلطانی*، ص ۷.

۲. دهخدا، *لغت‌نامه*، ذیل فتی.

۳. شبلی، *همسنگی میان تصوف و تشیع*، ص ۲۶۱.

۴. کربن، *آیین جوانمردی*، ص ۵ - ۴.

۵. عقیفی، *ملاطیه، صوفیه و فتوت*، ص ۴۵.

۶. کرمی‌پور، «بررسی ابعاد اجتماعی آیین فتوت در خراسان از قرن سوم هجری تا قرن ششم هجری»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ش ۱، ص ۹۲.

جوانمرد، مترادف با صوفی و درویش به کار رفته است و حتی صوفی نامداری همچون ابوالحسن خرقانی تعریف یکسانی از جوانمرد و عارف ارائه کرده است.^۱ این صوفی - جوانمرد بزرگ که استاد شیعی کدکنی وی را نماینده برجسته نقطه تلاقی تصوف و فتوت می‌داند؛^۲ بیش از هر چیز دیگر به جوانمردی اهمیت می‌دهد به گونه‌ای که آن را حدّ والای سلوک می‌شمارد.^۳ پیوند عیاری با تصوف، جوانمردی را درونی‌تر و باطنی‌تر و به تعبیر بهتر آیینی‌تر کرد، به گونه‌ای که زهد آن بیشتر و جنبه‌های پهلوانی و خدمت به خلق در آن کمتر شد و با از دست دادن صبغه جنگاوری و نبرد با ظلم و ستم، بیشتر به سمت مسائل اخلاقی متمایل گشت.^۴ این موضوع به‌ویژه از نیمه قرن هفتم به بعد بیشتر شد و در این دوره، جنبه اخلاقی و اجتماعی فتوت بر جنبه سیاسی آن غلبه کرد و اکثریت جوانمردان را دیگر نه عیاران و جنگاوران، بلکه هنرمندان، صنعت‌گران و پیشه‌وران تشکیل دادند.^۵

مبانی و مؤلفه‌های شیعی فتوت

مهم‌ترین مبانی و مؤلفه‌های فتوت به‌منزله گفتمانی شیعی را می‌توان بدین شرح بیان نمود.

۱. قدسی‌سازی مراد و قطب و تجلی انسان کامل در سیمای امام علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام در بین جوانمردان از جایگاهی بس بلند بهره‌مند است. اهل فتوت بزرگ‌ترین فضیلت و فریضه را محبت علی علیه السلام می‌شمارند. محبت اهل بیت علیهم السلام و اعتقاد به اینکه فتوت از پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام رسیده، اعتقادی اساسی در بین فقیهان است. برخی محققان معتقدند «اغلب فقیهان از قبیله «بُجَیله» و از شیعیان و محبّان حضرت علی علیه السلام بوده‌اند».^۶ اهل فتوت از شیعه و سنی فتوت خود را به علی علیه السلام اسناد می‌دهند و از میان اهل تسنن و خلفای سه‌گانه قبل از علی علیه السلام اسنادی به فتوت دیده نمی‌شود؛ چرا که به تعبیر عبدالرزاق کاشی «هر که در طریق فتوت قدمی دارد یا داعیه آن بر او غالب آید، رَشْحی از فیض او یافته و پرتویی از نور او برو تافته».^۷ حضرت علی علیه السلام در فتوت‌نامه‌ها با القاب و عناوین گوناگونی توصیف شده است. میرسیدعلی همدانی او را «منبع عین

۱. پناهی، «جوانمردی، مترادف‌ها و مؤلفه‌های آن در متون عرفانی»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۴، ص ۲.

۲. شیعی کدکنی، قلندریه در تاریخ، ص ۱۱۶.

۳. همان، ص ۶۴.

۴. عروج‌نیا، «جوانمردی و فتوت: تمایز و تشابه»، کتاب ماه فلسفه، ش ۷۹، ص ۲۳.

۵. کاشی سبزواری، «مقدمه»، فتوت نامه سلطانی، ص ۷۷.

۶. انصاری، «مقدمه»، جوانمردی و جوانمردان (الفتوه)، ص ۱۴.

۷. کاشانی، تحفه الاخوان فی خصائص الفقیان، ص ۲۲۹.

فتوت و معدن جود و مروّت^۱ می‌داند. عبدالرزاق کاشانی به او لقب «امام ائمه فتیان و قطب اقطاب جوانمردان^۲ می‌دهد و نویسنده *نفایس الفنون فی عرایس العیون* آن حضرت را «قطب مدار فتوت» می‌شمرد.^۳ در برخی متون نیز از او به‌عنوان «سرور فتیان»، «کریم هر دو جهان» و «اسدالله الغالب» یاد کرده‌اند. از مجموعه صفات ذکر شده برای علی علیه السلام در فتوت‌نامه‌ها می‌توان اندیشید که در پهن‌دشت خیال و منظومه فکری اهل فتوت؛ علی علیه السلام جایگاهی بس رفیع داشته و نمونه یک «انسان کامل» و «هدایت بخش» بوده است. فرانش تیشنر نیز معتقد است در بین اعراب قدیم فتی به کسی می‌گفتند که به منتهای مفهوم انسانیت رسیده باشد و از جمله رایج‌ترین معانی فتوت حسن اخلاق است که شامل فضایی مانند بزرگواری، رشادت و سخاوت می‌شود.^۴ برخی نیز در تعریف فتی گفته‌اند که «فتی جوان است و جوان آن است که قادر بُود بر کامل گردانیدن دیگران».^۵

در فتوت‌نامه‌ها برای مقدّم شمردن علی علیه السلام در مقام پیشوای جوانمردان و القای وجهی قدسی - اسطوره‌ای به آن حضرت، ضمن الهی شمردن خاستگاه جوانمردی معتقدند که فتوت از جانب خداوند به پاره‌ای از انبیا سپرده شده و در نهایت به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رسیده و ایشان هم به علی علیه السلام تفویض کرده‌اند. از جمله دلایل تمایل فتیان به تشیع این است که آنها علی علیه السلام را پیشوای خود در شجاعت و جنگاوری می‌دانستند. باور به متونی مانند تولّی‌نامه و تبرّی‌نامه از دیگر دلایل دلبستگی فتیان به آن حضرت و مکتب تشیع است. تولّی‌نامه جملاتی در اقرار به دوست داشتن حضرت علی علیه السلام و آل او بوده و تبرّی‌نامه جملاتی بوده است در لعن و نفرین به دشمنان علی علیه السلام و دشمنان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. استاد زرین‌کوب دلیل دیگر قرار گرفتن علی علیه السلام در رأس مراتب اهل فتوت را این می‌داند که در جامعه عربی مدینه و عراق، او اولین کسی بود که در باب «موالی» که در آن دوران طبقات پیشه‌وران به آنها منسوب بودند، توجه و همدردی نشان دادند.^۶

آنچه بیش از همه باعث شهرت علی علیه السلام در مقام پیشوای جوانمردان شده است، محافظت شجاعانه و جوانمردانه او از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ احد است که باعث شد سرش غیبی این سخن را سردهد که: «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار: جوانمردی جز علی و شمشیری جز

۱. ریاض، *فتوت‌نامه*، به انضمام رساله فتوتیه میرسید علی همدانی، ص ۱۶۵.

۲. صراف، *رسایل جوانمردان* (مشمول بر هفت فتوت‌نامه)، ص ۲۶۰.

۳. همان، ص ۶۳.

۴. کرین، *آیین جوانمردی*، ص ۱۳۳.

۵. طوسی، *الهدایة السعدیة فی معان الوجدیة یا رساله‌ای به فارسی در سماع و فتوت*، ص ۱۲.

۶. زرین‌کوب، *جستجو در تصوف*، ص ۳۴۸.

ذوالفقار نیست». این سخن بوسیله بسیاری از مورخین، مفسرین و محدثین نقل شده و به‌عنوان روایتی متواتر مورد پذیرش اکثر فریق و گروه‌های دینی قرار گرفته است.^۱ برخورد جوانمردانه او با دشمنانش و حتی قاتل خویش، به کرات در فتوت‌نامه‌ها ذکر شده است. حضرت علی علیه السلام چندین بار جان خود را برای صیانت از جان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خطر انداخت و شب هجرت رسول از مکه به مدینه در بستر پیامبر خوابید تا کفار از هجرت او مطلع نشوند. نمونه دیگر جوانمردی علی، موقعی بود که شخص فقیری مهمان علی علیه السلام بود و چون ایشان چیزی جز دو قرص نان در خانه نداشت از خود و فرزندان گرفت و به آن فقیر داد. در قرآن نیز در سه سوره؛ ۲۰۷ بقره، ۹ حشر و ۸ و ۹ دهر) به این مواد اشاره شده است.

در پاره‌ای از فتوت‌نامه‌ها، برای ترسیم علی علیه السلام در مقام هدایت‌گر و راهنمای فقیان، فتوت را از زبان آن حضرت تعریف یا نقل قول‌هایی را از ایشان آورده‌اند. کاشفی سبزواری نقل قولی از ایشان را این‌گونه روایت می‌کند: «از حضرت شاه ولایت منقول است که فرمود فتوت آن است که در دنیا و آخرت هیچ خصم نباشد و شک نیست که این صفت در مرتبه تجرید و تفرید حاصل شود».^۲ عبدالرزاق کاشانی در فتوت‌نامه خود از زبان علی علیه السلام اصل فتوت را بر هشت خصلت نهاده است به این ترتیب: وفا، صدق، امن، سخا، تواضع، نصیحت، هدایت و توبه.^۳ آن حضرت در پاسخ پرسش فرزندش امام حسن علیه السلام در باب علامت کمال فتوت فرموده است: «هِيَ الْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ وَ التَّوَاضُّعُ عِنْدَ الدَّوْلَةِ وَ السَّخَاءُ عِنْدَ الْقَلَّةِ وَ الْعَطِيَّةُ بغيرِ مَنَّةٍ» یعنی عفو در وقت قدرت و تواضع در زمان دولت و سخا هنگام فقر و فاقت و عطاء بی منت.^۴ در کتاب الفتوة اخی احمد اردبیلی، آن حضرت شرایط جوانمردی را پهلوانی، شجاعت، عقل، وفا، مراقبت، نماز، روزه، وفای به عهد، مراقبت از برادر و دوست برادر می‌داند.^۵

در گفتمان فتوت اصناف که بعد از حمله مغول در ایران شکل گرفت، نویسندگان فتوت‌نامه‌ها بعد از انتساب شغل خود به یکی از پیامبران، از مقام بالای آدمی و سپس از اصول جوانمردی و حرفه خود سخن می‌گفتند. در این فتوت‌نامه‌ها از میان خاندان پیامبر و ائمه علیهم السلام بیشترین داستان‌های ذکر شده،

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: کاشفی سبزواری، «مقدمه»، فتوت نامه سلطانی، ص ۹.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. کاشانی، تحفة الاخوان فی خصائص الفقیان، ص ۱۷.

۴. همان، ص ۱۷.

۵. رضوی، تاریخ و فرهنگ جوانمردی، ص ۲۸۴ - ۲۸۳.

اختصاص به علی علیه السلام دارد. این موضوع متأثر از جایگاه والای علی در بین فتیان است. در واقع از منظر نویسندگان فتوت نامه‌ها انتساب هرگونه رفتار جوانمردانه به علی علیه السلام می‌تواند مورد تأیید همه مسلمانان قرار گیرد و به‌عنوان الگو آن را عملی نمایند. از آنجایی که غالب داستان‌های منتسب به علی علیه السلام و سایر بزرگان دین در فتوت نامه‌ها منشأ تاریخی دقیق و معتبری ندارند از دیدگاهی دیگر شاید به‌دلیل ناموجه بودن برخی مناسک، آداب و رفتارهای فتیان، نویسندگان فتوت نامه‌ها می‌کوشیده‌اند با انتساب آن به علی علیه السلام یا سایر پیامبران، از محبوبیت و مقبولیت آن بزرگان بهره برده و پذیرش آن رفتار را توجیه نمایند.

از منظر تاریخی معرفی علی علیه السلام در مقام مقتدا و محور جریان فتوت، در نیمه دوم قرن ششم هجری و مقارن با خلافت الناصر لدین‌الله رخ می‌دهد. در عصر ناصر، اعتراضات و اقدامات مسلحانه عیاران علیه حکومت یکی از عوامل اصلی تهدید کننده مقام خلافت به‌شمار می‌رفت. بنابراین خلیفه عباسی برای خاتمه دادن به اعتراضات عیاران، ایجاد آرامش و امنیت در عراق، گسترش قلمرو خلافت، نشان دادن اقتدار و زعامت خلافت عباسی و تحت فرمان خود قرار دادن جریان فتوت در جهان اسلام به آیین فتوت پیوست. در منشوری که ناصر برای جماعت فتیان منتشر کرد، ضمن الزام همگان به رعایت اصول شرعی و اطاعت از خلیفه، اصل فتوت و منبع و مطلع آن، علی علیه السلام معرفی شد که تمام محاسن و آداب فتوت را از وی نقل می‌کنند و تمام فتیان خود را بدو منسوب می‌دارند. این منشور که انعکاس آن را در کتاب *الفتوة* ابن معمار می‌بینیم، نشان از تمایلات شیعی خلیفه الناصر لدین‌الله است. نخستین و کهن‌ترین کتابی که بسان سلسله‌های صوفیه برای فتوت نیز سلسله‌ای ساخته و علی علیه السلام را منشأ فتوت قرار داده همین کتاب *الفتوة* است. ابن معمار در حدیثی از پیامبر نقل می‌کند که به علی علیه السلام گفت: «أنتَ يا عَلِيّ فَتِيّ وَ ابن فَتِيّ وَ أخو فَتِيّ»^۱. در این کتاب، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و سلمان فارسی در مقام پیشکسوتان فتوت در اسلام هستند. جالب آنکه ابن معمار سلسله سند فتوت ناصر را نیز به سلمان فارسی، امام علی علیه السلام و حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌رساند.^۲ در فتوت نامه‌هایی که از قرن هفتم تا عصر قاجار نگاشته شده‌اند؛ این سه شخصیت نقش محوری در فتوت نامه‌ها دارند.

در دو فتوت نامه شهاب‌الدین عمر سهروردی (فتوت ۶۳۲ ق) حکایات فراوانی درباره زندگی حضرت علی علیه السلام با مضمون گذشت، بخشایش و شجاعت ایشان آمده است. سهروردی در آغاز فتوت نامه خود می‌نویسد:

۱. ابن معمار، *کتاب الفتوة*، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۱۴۷.

فتوت که در خانه نبوت یا ولایت سر برمی‌آورد پس از سید - علیه السلام - به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب - رضی الله عنه - رسید که از نسل سید بود، و ابن‌عمّ خواجه بود، سید در حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین فرمود: «یا علی أنت منی بمنزله هارون من موسی»^۱.

در روایتی دیگر مبدأ و منشأ فتوت و تشریفات ورود به جرگه جوانمردان را که شامل نوشیدن آب و نمک، پوشیدن سراویل و بستن شد است به داستانی از زندگی علی علیه السلام نسبت می‌دهند. بر اساس این روایت، روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با گروهی نشست به فردی از فساد زن و مردی در خانه‌ای به آنها خبر داد. حضرت علی علیه السلام با اجازه پیامبر برای پیگیری این ماجرا وارد آن خانه می‌شود و چشمان خود را می‌بندد و خانه را جستجو می‌کند. نهایتاً به پیامبر خبر می‌دهد که هیچ‌کس را آنجا ندیده است. پیامبر نیز، علی علیه السلام را با این عبارت خطاب می‌کند که: «یا علی أنت فتی هذه الامة» ای علی! تو جوانمرد این امت هستی. بعد از آن قدحی آب برداشت و قدری نمک خواست. رسول کفی نمک برداشت و گفت: «هذه الشریعة» و کفی دیگر برداشت و گفت: «هذه الطریقة» و کفی دیگر برداشت و گفت: «هذه الحقیقة» و در آب افکند و به علی علیه السلام داد تا قدری خورد و گفت: «أنت رفیق و أنا رفیق جبرئیل و جبرئیل رفیق الله تعالی»، بعد از آن زیرجامه خود در علی علیه السلام پوشانید و میان او در بست و فرمود که «أکملک یا علی»، یعنی تو را تکمیل کردم. بعد از آن سلمان را فرمود تا قدح از دست علی بیاشامد و حذیفه یمانی را فرمود تا از دست سلمان بیاشامد.^۲ این حکایت با کم‌وبیش تفاوت‌هایی در دیگر فتوت‌نامه‌های صوفیانه از قبیل فتوت‌نامه عبدالرزاق کاشانی، فتوت‌نامه زرکوب تبریزی و فتوت‌نامه قریب آمده است. پیام حکایت که ناظر بر عیب‌پوشی آن حضرت از خطای دیگران است تلاش نویسندگان فتوت‌نامه‌ها را برای مقدس جلوه دادن جایگاه علی علیه السلام نشان می‌دهد. در قرن هشتم هجری شمس‌الدین آملی در فتوت‌نامه خود ضمن برتر شمردن فتوت علی علیه السلام بر ابراهیم، فتوت علی علیه السلام را ذیح نفس و فتوت ابراهیم را ذیح فرزند می‌داند. او همچنین مقام ولی را بر نبی (و به‌طور طبیعی علی علیه السلام را بر ابراهیم) مقدّم می‌شمرد و ابراهیم را مظهر فتوت، علی علیه السلام را قطب و حضرت مهدی را خاتم فتوت می‌داند. در قرن نهم در فتوت‌نامه سلطانی به‌مثابه کامل‌ترین و جامع‌ترین فتوت‌نامه تاریخ تشیع، تفکرات شیعی با محوریت علی علیه السلام به‌شکلی مبسوط بازتاب یافته است. این خط فکری، وجه غالب جریان فتوت تا اوایل قرن اخیر بوده است.

۱. صراف، رسایل جوانمردان، ص ۹۹ - ۱۰۰.

۲. همان، ص ۷۳ - ۷۲.

۲. پیوند یافتن باورهای شیعی با منش پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای

ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای نه صرفاً ورزش بلکه به‌مثابه یک آیین و جریان فرهنگی است و زورخانه نیز کانون فتوت و مردانگی؛ چراکه این ورزش همواره متأثر از آموزه‌های دینی به‌ویژه مذهب تشیع و جریان‌های اجتماعی همچون عرفان، تصوف و آیین فتوت بوده است. یک واقعیت انکارناپذیر تاریخ زورخانه در دوران اسلامی، تلفیق این ورزش با آیین فتوت در قالب مذهب شیعه بوده است. ورزش زورخانه‌ای ضمن امتزاج حرکات ورزشی و پرورش قوای بدنی با شعایر شیعی، به‌علت نمادها و آیین و مراسم ویژه خود نقش بسیار برجسته‌ای در ترویج تشیع ایفا کرده است. در این ورزش حرکات بدنی، اشعار، ذکرها، ابزار و ادوات زورخانه همگی در خدمت تبلیغ فرهنگ و آموزه‌های شیعی درآمده‌اند و گود زورخانه به کانون پیوند صفات و منش‌های جوانمردانه‌ای همچون: صداقت، سخاوت، گذشت، شجاعت و رفتارهای سلحشورانه و پهلوانانه با خصایص اخلاقی شیعه تبدیل شده است.

در خصوص زمان شکل‌گیری زورخانه‌ها و ورزش باستانی باید گفت اگر از بُعد فرهنگی و اجتماعی به این ورزش بنگریم، رنگ باستانی دارد؛ عده‌ای قدمت پیدایش زورخانه را در تاریخ کهن ایران و دوره اشکانیان می‌دانند. مهرداد بهار، آداب رایج در زورخانه را مربوط به آیین مهر می‌داند و با تکیه بر دلایلی از جمله: شباهت زورخانه‌ها با معابد مهری، وجود زنگ در معابد، برهنه متولد شدن مهر و سنت برهنگی پهلوانان در زورخانه، شرکت ندادن زنان و جوانان نابالغ در زورخانه‌ها و معابد مهری، کشتی گرفتن مهر با خورشید و کشتی گرفتن پهلوانان در زورخانه می‌کوشد تأثیرگذاری آیین میترائیسم را بر ورزش باستانی و زورخانه‌ها نشان دهد.^۱ ولی اگر به عملیات و پیدایش آن توجه کنیم، مربوط به بعد از اسلام است. بی‌تردید ایرانیان از عصر باستان تا آغاز دوره صفویه مکان‌هایی برای انجام عملیات و تمرین‌های ورزشی داشته‌اند؛ اما تاریخ معلوم زورخانه‌ها با شکل و وضع کنونی، قرن هفتم؛ یعنی عهد پهلوان معروف، محمود خوارزمی مشهور به پوریای ولی است.^۲ دلیل دیگری که شکل‌گیری زورخانه را در دوره مغول و جانشینان آنها تقویت می‌کند علاقه‌مندی برخی شاهان مغول همچون اوکتای قاآن (حک: ۶۳۹ - ۶۲۶ ق.) به کشتی است. بنا به روایت نویسنده تاریخ جهان‌گشای جوینی، او به تماشای کشتی پهلوانان می‌پرداخته است.^۳ سعدی نیز در *گلستان* چنین آورده است: «یکی در صنعت کشتی گرفتن سرآمد بود، سیصد و شصت بند فاخر بدانستی و هر روز

۱. بهار، *از اسطوره تا تاریخ*، ص ۳۷ - ۳۵.

۲. انصاف‌پور، *تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های زورخانه‌رو*، ص ۳۴.

۳. جوینی، *تاریخ جهانگشای جوینی*، ص ۱۸۴ - ۱۸۳.

به نوعی از آن کشتی گرفتگی»^۱ به دلیل ظلم و بی‌رحمی مغولان، زورخانه در دوره‌های بعد رویکردی مردمی و سیاسی می‌یابد. سرداران که شهرتشان مرهون جوانمردی و عیاری‌شان است و «در القاب ایشان کلمه پهلوان را به کار برده‌اند»^۲ برای مقابله با مغولان سفاک به تمرین‌های بدنی و کشتی در زورخانه‌ها می‌پرداختند. این دولت شیعی مصداقی عینی از تلفیق آموزه‌های شیعی و سنت پهلوانی بود. جالب است مراسم گل‌ریزان که همچنان در زورخانه‌ها و دیگر جاها رایج است یادگاری از عیاران سرداری است. اوج بسط و توسعه زورخانه را باید عصر صفوی دانست. شاهان شهیر صفوی همچون شاه‌طهماسب و شاه‌عباس کبیر و ... به کشتی ورزش زورخانه‌ای بسیار بها می‌دادند. «وجود پهلوان باشی در ردیف تفنگ‌دارباشی، توپ‌چی باشی و ... در دربار صفویان از سمت ریاست آن پهلوانان وابسته به دستگاه سلطنت و کثرت کشتی‌گیران و رواج و اوج زورخانه در آن دوران حکایت می‌کند»^۳. رسمیت یافتن مذهب تشیع و پیوند آن با زورخانه باعث گردید زورخانه‌ها رنگ و بوی شیعی پیدا کنند. چگونگی پیوند یافتن باورهای شیعی با ورزش باستانی زورخانه‌ای را می‌توان در دو گروه کلی تقسیم کرد:

یک. وجوه صوری - شکلی پیوند زورخانه با تشیع

۱. نمای بیرونی و درونی معماری زورخانه‌ها، حاوی نمادهایی است که معرف آموزه‌های شیعی است. بام گنبدی شکل زورخانه‌ها، تقدس اماکن مذهبی شیعه (مسجد، بقاع متبرکه و بارگاه ملکوتی ائمه) را فرا یاد می‌آورد. در بسیاری از الفاظ و مسائل مربوط به زورخانه‌ها عدد دوازده وجود دارد که علاوه بر تقدس یادآور دوازده امام است. واعظ کاشفی می‌گوید: «اگر پرسند کلماتی را که استاد در وقت میان بستن بر شاگرد می‌خواند چند است؟ بگوی دوازده»^۴. معماران برای ابراز ارادت و عشق به امامان شیعه، عدد دوازده را مورد نظر داشته‌اند؛ به گونه‌ای که طول و عرض زورخانه‌ها را دوازده متر در دوازده متر طراحی می‌کردند و محرابی رو به قبله از سنگ مرمر می‌ساختند که به طول چهار زرع و عرض سه زرع بود که حاصل ضرب آن دوازده است.^۵ ورزش کاران هنگام ورود به گود باید وضو بگیرند و دائم اوراد مذهبی را زمزمه کنند. مضافاً گود

۱. سعدی، گلستان، ص ۵۵.

۲. نفیسی، سرچشمه تصوف در ایران، ص ۱۴۳.

۳. انصاف‌پور، تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های زورخانه‌رو، ص ۵۵.

۴. کاشفی سبزواری، فتوت‌نامه سلطانی، ص ۱۱۷.

۵. پرتو بیضایی کاشانی، تاریخ ورزش باستان ایران، ص ۸۷.

- شش ضلعی زورخانه یادآور آرامگاه امام حسین علیه السلام و گود هشت ضلعی نمادی از مقبره امام رضا علیه السلام است و همه اینها باعث تقدس و تبرک گود می‌گردد.
۲. از معانی «سردم» اتاق چوبی است که در دهه عاشورا نزدیک مسجد یا تکیه بر پا می‌کردند و آن را با شمایل امامان و لوازم درویشی می‌آراستند؛^۱ به همین جهت مکانی مقدس شمرده می‌شود. از طرفی خواندن اشعار حماسی و مذهبی در سردم زورخانه بوسیله مرشد، با منابر سخنرانی و وعظ همانند است و باید سردم را موضعی برای تبلیغ و ترویج آموزه‌ها و مناسک شیعی دانست.
۳. طبقه سادات به دلیل انتساب به علی علیه السلام در زورخانه بسیار مورد احترام هستند و در هر کاری اولویت دارند؛ حتی اگر مبتدی و روز اول ورودشان به گود باشد و از عهده میان‌داری برنیایند؛ باز هم جای آنها «پای سردم» است. در موقع بلند کردن میل نیز حق تقدّم در درجه اول با سادات و بعد با پیش‌کسوت‌ترین ورزش‌کار است.^۲
۴. روی عقیق یا عقیق‌های بازوبند پهلوانان، آیاتی از قرآن یا نام پنج‌تن آل‌عبا یا نام حضرت علی علیه السلام حک می‌شود.
۵. وقتی میان‌دار برای ورزش، شروع به شمارش می‌کند، سایرین با صدای «حق حق» و «علی علی» به او جواب می‌دهند.
۶. مرشد، ورزش‌کاری را که در گود شیرین کاری می‌کند به جوانان بنی‌هاشم تشبیه می‌کند.
۷. امام علی علیه السلام در بین فتیان و اهالی زورخانه جایگاهی رفیع و منیع دارد. در زورخانه‌ها تمثال بزرگی از ایشان بر دیوار زورخانه نصب و حرکات ورزشی خود را با نام او آغاز می‌کنند.^۳ هنگام ورود به زورخانه نیز نام خدا و علی علیه السلام ورد زبان‌هاست. در واقع ورود به زورخانه را همانند ورود به مسجد و تکیه می‌دانند. نحوه معیشت و ارتزاق آن حضرت، تلاشش برای دفاع از محرومان و اطعام مستمندان، عدالت‌ورزی او هنگام خلافت، فتوت، اخوت، روحیه حق‌طلبی ایشان در مقام رهبر جامعه اسلامی و دیگر صفات انسان‌دوستانه و مظلوم‌نوازانه علی علیه السلام باعث گردیده تا اهالی زورخانه، آن حضرت را مظهر عالی‌ترین صفات و درخشان‌ترین خصال جوانمردی بدانند و مبانی اخلاقی و انسانی آن حضرت را چراغ راه زندگی خود قرار دهند.
۸. در میان حرکات فیزیکی ورزش باستانی زورخانه؛ همچون «سنگ گرفتن»، «شنا رفتن» و «میل

۱. معین، فرهنگ معین، ذیل واژه سردم.

۲. صدیق ایمانی، «آیین جوانمردی، زورخانه و ورزش باستانی در روند تاریخ»، کتاب ماه هنر، ش ۱۲۱، ص ۵۶.

۳. رهبری، «گود مقدس زورخانه را حرمت نهیم»، تلاش، ش ۱۴، ص ۶.

گرفتن» عبارات و اشعاری که قرائت می‌شود همگی شعایر و مقدسات شیعی را بیان می‌کنند. مرشد پیش از سنگ گرفتن برای شوربخشیدن به سنگ‌گیرنده، شعر «گل سنگ» را با عرض ارادت به ائمه شیعه آغاز می‌کند. او در شمارش سنگ گرفتن، به جای اعداد پنج، شش، هفت، هشت، ده، یازده، دوازده، چهارده و هفده به ترتیب ترکیبات «پنجه خیرگشا، کمر بسته مولا، علی شیرخدا، شش گوشه قبر حسین، امام هفتم محبوب ملک بغداد، قبله هشتم یا امام رضا علیه السلام، کرم از علی ولی‌الله، یازده فرزند برحقش، جمال قائم صلوات، چهارده معصوم پاک، هفده کمر بسته مولا» را بیان می‌کنند ...^۱ «طنین «الله الله» و «علی علی» ورزش کار، هنگام شنا فضای زورخانه را سرشار از معنویت و روحانیت می‌کند؛ ضمن اینکه حرکات شنا، فروتنی و خاکساری آدم خاک‌نشین را در برابر حضرت حق یادآوری می‌نماید. از جمله اشعاری که مرشد در شروع شنا می‌خواند این رباعی است:

یارب به‌حق ناد علیاً سینجلی یا رب به‌حق شاه‌نجف مرتضی علی
افتادگان وادی غم را بگیر دست یا مصطفی محمد و یا مرتضی علی^۲

هنگام میل گرفتن، مرشد اشعاری مبتنی بر شجاعت و دلآوری امامان شیعه می‌خواند؛ مانند: «تو صفدری تو دلبری» یا «تو مونس پیامبری» و گروهی پاسخ می‌دهد: «علی علی علی علی».^۳

دو. وجوه معنوی - اندیشگانی پیوند زورخانه با تشیع

۱. مؤلفه‌های بنیادین آداب و رسوم زورخانه؛ یعنی پرورش روحیه مردانگی و آزادگی و جنگاوری، مدح اهل بیت، یادکرد خداوند و اولیای دین، سحرخیزی و طهارت جسم و روح، فروتنی و خاکساری، توبه از گناهان، ذکر تکبیر و صلوات و فاتحه، حرمت گذاشتن به پیش کسوتان، سفارش به نیکی و برحذر داشتن از بدی، ترویج حسن رفتار فردی و اجتماعی، همدردی با ستم‌دیدگان، دست‌گیری از دردمندان و ... تجلی روح تشیع است که بر فضای زورخانه‌ها حاکم می‌باشد.
۲. در ورزش زورخانه‌ای معنی نمادین زنجیر و کباده دادخواهی و عدالت‌طلبی است. اصولی که مورد تأکید جدی شیعیان می‌باشد.
۳. کوتاه بودن در ورودی زورخانه‌ها، برای آن بوده است که ورزشکاران با حالت تعظیم و فروتنی وارد

۱. پرتو بیضایی کاشانی، *تاریخ ورزش باستان ایران*، ص ۷۱ - ۷۰.

۲. صدیق ایمانی، «آیین جوانمردی، زورخانه و ورزش باستانی در روند تاریخ»، *کتاب ماه هنر*، ش ۱۲۱، ص ۵۰.

۳. همان.

زورخانه شوند؛ چرا که اجرای ورزش‌های زورخانه‌ای ممکن است در انسان غرور ایجاد کند و این موضوع با آیین جوانمردی در تضاد می‌باشد. در ورزش پهلوانی صدق و صفا، فروتنی و پرهیز از خودخواهی و خودبینی بسیار اهمیت دارد. به همین سان رفتار امامان معصوم در زندگی فردی و اجتماعی، مصداق بارز این فضایل اخلاقی بوده است.

۴. انزجار از ظلم و بیداد و بیدادگران، عدالت‌طلبی، تلاش برای احقاق حق مظلومان، سامان دادن به شرایط ناگوار و ناهموار اقتصادی و اجتماعی مردم بی‌نوا و ... از آرمان‌های مشترک جوانمردان زورخانه‌رو و شیعیان بوده است. اصولاً زورخانه همچون زاویه جوانمردان مأوای بی‌پناهان و ستمدیدگان است. انصاف‌پور معتقد است که بسیاری از افراد، حتی دارندگان مشاغل پردرآمد برای حفظ مال خود از دست گردن کلفت‌ها و جاهل‌ها به زورخانه‌ها پناه می‌آوردند.^۱ در گذشته نه‌چندان دور در اکثر شهرهای ایران، پهلوانان زورخانه‌ها یکی از متخلّق‌ترین چهره‌های مردمی و تکیه‌گاه قابل اعتماد برای قشر ضعیف و مظهر احقاق حق، شجاعت و ایستادگی در برابر ظلم بوده‌اند.

۵. در دعای پایان ورزش زورخانه‌ای، میان‌دار در تأکید حقانیت امام علی علیه السلام اذکاری می‌خواند و بر دشمنان ایشان لعنت می‌فرستد و زیارت قبر امامان و شفاعت امام حسین علیه السلام را برای ورزش‌کاران از خداوند آرزو می‌کند.

۶. همان‌گونه که در آیین تشیع و سیره عملی اهل بیت علیهم السلام بر آورده کردن حاجات و نیازهای دوستان و نیازمندان و در راه ماندگان تأکید شده است؛ مراسم گل‌ریزان در بین اهالی زورخانه را می‌توان نوعی هم‌رهی و همدلی ورزش‌کاران برای بخشش جوانمردانه و حل مشکلات معیشتی هم‌نوعان تعبیر کرد. ذکرهای مراسم گل‌ریزان در خدمت بسط فرهنگ شیعی است. نمونه اذکاری که در قالب دعا برای جوانمردان خیر خوانده می‌شود عبارتند از: «دستش به دست حر برسد. به اول قطره خونی که در محراب کوفه از تارک علی علیه السلام چکید، خداوند ان‌شاءالله عرق آبروی آن نوجوان مرد را پیش پای مرد و نامرد نریزد. خدا را قسم می‌دهم به دو گوشواره عرش، زینت فرش - یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام - دو چشم آن نوجوان مرد گریان نشود، مگر سالی دو ماه در عزای فاطمه زهرا علیها السلام». ^۲ به همین جهت زورخانه را باید نهادی صنفی دانست که رفع گرفتاری‌ها و تنگنای مالی دیگران جزو وظایف اعضای آن می‌باشد.

۱. انصاف‌پور، *تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های زورخانه‌رو*، ص ۱۰۷.

۲. کاظمینی، *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در حیات اجتماعی و سیاسی ملت ایران*، ص ۳۵۷ - ۳۵۶.

۳. رویکرد اعتراضی و مبارزه طلبی فتوت و تشیع

وجه دیگر پیوند فتوت و تشیع را باید در رویکرد اعتراض‌آمیز این دو جریان به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم در ادوار مختلف تاریخی جستجو کرد. بعد از استیلای اعراب بر ایران و حاکم شدن عنصر بیگانه بر مقدرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی این سرزمین؛ به‌ویژه در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس شاهد رفتار تحقیرگونه و خشونت‌بار اعراب با ایرانیان هستیم ... علاوه بر بحران‌ها و آشفتگی‌های سیاسی، فقر و فاقه توده‌های مردم، نابرابری در توزیع منابع ثروت و مناصب قدرت، تحمیل مالیات‌های گزاف، ظلم بی‌حد باعث ایجاد شورش‌هایی در آن دوران گردید که به‌تعبیر پطروشفسکی «این شورش‌ها در زیر لوای سرخ یا پرچم‌های سفید فرق گوناگون خارجی یا پرچم سبز شیعیان وقوع می‌یافت».^۱ قدرت گرفتن مذهب اهل سنت در عهد عباسی سبب شد که «سنی‌گری به‌صورت معتقدات و ایدئولوژی طبقاتی فئودال‌های ایران درآمد و تشیع به‌شکل معتقدات سیاسی و در بسیاری موارد اجتماعی مخالفان تبدیل یافت و تا پایان قرن نهم و تأسیس دولت صفوی این وضع ادامه داشت».^۲

قابل ذکر است در قرن دوم و سوم، آیین جوانمردی با رنگ‌بوی ملی و متأثر از اوضاع سیاسی و اقتصادی در قیام‌های ابومسلم خراسانی و یعقوب لیث صفار متبلور می‌شود. ابومسلم در بین مردم ایران به‌مثابه جوانمردی برجسته، همواره الگوی عیاران و جوانمردان در طی قرون متمادی بوده است و روایت‌هایی در قالب قصه‌های عامیانه تحت عنوان «ابومسلم‌نامه» درباره او نوشته شده است. هرچند درباره شیعی بودن ابومسلم مستندات متقن و مسلم تاریخی وجود ندارد، با این‌وجود او «با برانداختن حکومت جبار بنی‌امیه رؤیای برتری نژاد عرب را از پیش چشمان خواب‌آلوده تازیان محو کرد و برای جلوه ذوق و هوش ایرانی در سازمان سیاسی و اجتماعی اسلام راه‌های تازه گشود».^۳

شکل‌گیری جریان فتوت در قالب پدیده‌ای اجتماعی برای نخستین‌بار در کوفه و در زمان حکومت جاثرانه حجاج بن یوسف ثقفی رخ داده است. سیاست اختناق و نژادپرستی این حاکم و دیگر حکام اموی در ظهور جنبش فتوت مؤثر بوده است. پیوند موالی و شیعیان در آن عصر و نارضایتی آنان و دیگر گروه‌های اجتماعی از محیط تبعیض‌آفرین سیاسی کوفه، باعث پیوستنشان به جنبش فتوت گردید. مصطفی کامل شیعی با تأکید بر ارتباط فتوت و تشیع، زادگاه نخستین هر دو را شهر کوفه می‌داند. به‌زعم او کوفه از دیرباز، مرکز ستمگری، بیداد، سرکشی، گرسنگی و ترس بود و در

۱. پطروشفسکی، *نهضت سربداران خراسان*، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۷۲.

۳. زرین کوب، *دو قرن سکوت*، ص ۱۴۸.

عکس‌العملی طبیعی مردانی متصف به سُبُک‌روحي، پهلواني، از خودگذشتگی در راه دیگران، دفاع از بیچارگان و گرفتن دست ستم‌دیدگان در آن شهر به پا خاستند و آیین فتوت را بنا نهادند.^۱ ظلم بی‌حدّ حجاج نسبت به موالی و شیعه به‌شکلی بود که «گروهی را برانگیخت تا با فداکاری مال و آسایش و حتی جان خویش برای رفاه حال مردم و تخفیف آلام و مصائب ایشان قیام و اقدام کنند. این شرایط سبب شد که عواطف رقیق و احساسات انسانی در میان پاره‌ای از مردم پیدا شود و از همین زمان نخستین آثار فتوت که با زهد و تقوی قرین است نمایان می‌شود».^۲ از الگوهای جوانمردی در کوفه، ابراهیم بن شریک (م ۹۲ ق) بود که خود را به جای ابراهیم نخعی تسلیم مأموران حجاج کرد و تا آخر عمر در زندان او ماند و در همان‌جا درگذشت.^۳ می‌توان اندیشید جریان فتوتی شیعه‌گرا با رویکرد دفاع از مظلومان و محرومان تا حدّ از جان‌گذشتگی در کوفه شکل گرفته است. هرچند این جریان فاقد انسجام، ساختار و سازمانی بوده است که بعدها بین فتیان بغداد ظهور می‌یابد.

با روی کار آمدن عباسیان، فتوت در قالب سازمانی مؤثر با کارکردهای متنوع در شهر نوپنیا بغداد شکل می‌گیرد. برخلاف فتوت کوفه که تلفیقی از مروّت و دیانت بود و صبغه‌ای اخلاقی داشت، فتوت بغداد ابتدا در کسوت گروه‌های عصیان‌گر متبلور گردید که دست به غارت بازارها و خانه‌های ثروتمندان می‌زدند و ظاهراً هدف آنها انتقام‌گیری از افرادی بود که در آن روزگار به‌صورتی ناعادلانه به ثروت و مکنّت بی‌شمار رسیده بودند. فتیان بغداد در محلات عمدتاً شیعه‌نشین زندگی می‌کردند و مهم‌ترین دلیل برخورد آنها با مخالفانشان به موضوع تشیع برمی‌گشت. ظهور شورش و آشوب‌ها باعث واکنش این جوانمردان شیعی می‌شده است. در نیمه دوم قرن سوم (سال ۲۵۰ ق) شخصی علوی به نام «یحیی بن عمر» به دلیل فقر و فاقه و با حمایت شیعیان زیدیه و توده مردم قیام می‌کند. «زیدیه به یحیی بن عمر پیوستند. او در کوفه همگان را به رضای آل محمد فرا می‌خواند. پس مردم سوی او شتافتند و نرد عشق بدو باختند. و همگان از بغدادیان او را برای خود سرپرست ساختند ... در کوفه گروهی مردمان سرشناس و خردمند و باتدبیر دست او را به بیعت فشردند».^۴ این شورش با مرگ یحیی و اسارت لشکریان او به‌دست عمّال ستمگر مستعین، خلیفه عباسی، خاتمه می‌یابد. عیاران بغداد به سال ۳۵۰ ق به انگیزه انتقام‌جویی بابت قتل یک علوی شوریدند که این خود ریشه

۱. شیعی، همبستگی میان تصوف و تشیع، ص ۲۶۵.

۲. همان، ص ۲۶۳.

۳. همان، ص ۲۶۴.

۴. ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۴۱۹۰.

شیعیانه فتوت بغدادی را در مقابل رنگ سنیانه فتوت شامی نشان می‌دهد.^۱

اسناد و گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که بعد از تسلط آل بویه بر بغداد (نیمه اول قرن چهارم) تا زمان به قدرت رسیدن ناصرالدین‌الله (نیمه دوم قرن ششم) عمده آشفتگی‌های بغداد ناشی از تکاپوهای شیعه و سنی و درگیری‌های فتیان و عیاران بوده که با دخالت حکام آل بویه، غزنوی و سلجوقی در حمایت از گروهی در برابر گروه دیگر همراه می‌گردید. برای نمونه در سال ۳۶۱ ق. در عهد خلافت طائع و حکمرانی عزالدوله بختیار بویه فرزند احمد، سلطان روم با حمله به رها و نصیبین و دیاربکر و دیگر نواحی مسلمان‌نشین شمال مرزهای خلافت، بسیاری از شهرهای مسلمانان را خراب نموده، به آتش کشیده و افراد زیادی را به اسارت برده بود. این موضوع باعث شورش عیاران در بغداد می‌شود. این‌اثر ذیل حوادث این سال می‌نویسد:

در این سال در بغداد فتنه‌ای بزرگ پدید آمد و مردمان بیش از اندازه، تعصب نشان دادند و چند دستگی یافتند و عیاران پا به میان گزاردند و فساد را آشکار کردند ... شمار آنها چندان فزونی گرفت که گروه‌هایی از نوجوانان و جوانان و سنیان و شیعیان و عیاران پدید آمدند و دارایی‌ها به یغما بردند و مردم کشته شدند و سرای‌ها بسوختند که برزن کرخ تنها یکی از برزن‌های سوخته بود. این برزن مرکز بازرگانان و شیعیان شمرده می‌شد.^۲

هرچند این‌اثر اعتراض عیاران سنی و شیعه را به «فتنه» و «فساد» تعبیر می‌کند، با این وجود باید این حوادث را نوعی اعتراض سیاسی عیاران بر ضد خلافت عباسی دانست که خشمگینانه به قصر خلیفه هجوم بردند و او را با سخنان زشت، به ناتوانی و عجز در ادای تکلیف در محافظت از سرزمین‌های اسلامی متهم نمودند.

در اواخر نیمه اول قرن پنجم (۴۴۷ ق) بساسیری شیعه مذهب، دست به تصرف بغداد می‌زند و به نام خلیفه فاطمی «المستنصر بالله» خطبه می‌خواند. این نخستین تکاپوی شیعیان جهت ارتباط با مراکز خارج از خلافت برای دستیابی به حقوق خود بوده است. با سقوط بساسیری به دست طغرل سلجوقی در سال ۴۵۶ ق، تلاش شیعیان برای تغییر نظام خلافت ناکام ماند اما فتوت راهی مناسب برای ارتباط وثیق و مستحکم با فاطمیان بود.^۳ در دوران خلافت ناصرالدین‌الله که گفتمان فتوت

۱. ذکاتوی، «فتوت و تشیع»، مجله معارف، ش ۱، ص ۱۴۹.

۲. ابن‌اثر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۲، ص ۵۱۵۸.

۳. سیادت، *بررسی پدیده فتوت و علل توجه خلیفه ناصر به آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۱۴۴.

رسمی و حکومتی شکل می‌گیرد، شاهد نزدیکی هر چه بیشتر فتوت به تشیع هستیم. انتخاب وزرای شیعه مذهب و آزادی عمل شیعیان در برگزاری مراسم عزاداری عاشورا نشانه‌هایی از تمایل و تعلق خاطر این خلیفه عباسی به تشیع است. غالب مورخین سنی، بر گرایش ناصر به تشیع و ارادت او به اهل بیت اتفاق نظر دارند. برخی از اعتقاد او به آرای امامیه سخن می‌گویند.^۱ قرابت یافتن فتوت به تشیع باعث گردید پاره‌ای باورها و اعتقادات و نمادهای شیعی در آیین جوانمردی وارد شود. اهمیت و تأثیرگذاری شیعه و فتیان شیعه مذهب در قرن ششم و هفتم به گونه‌ای بوده است که برخی پژوهش‌گران، کسب رضایت شیعیان و ریاست فائده معنوی بر همه فرق اسلامی را از جمله دلایل پیوستن ناصر به فتوت دانسته‌اند.^۲ از طرفی «در عصر ناصرالدین‌الله غالب مشایخ فتوت شیعه بوده‌اند و اگر در برخی موارد سنی بوده‌اند از سوی علمای اهل سنت به آنان تهمت «متشیع» بودن بسته‌اند. جالب آنکه «ابن تیمیه حنبلی» (۷۲۸ ق) که از سرسخت‌ترین و ضد شیعه‌ترین علمای سنی‌مذهب بود فتوت را بدعت و رخنه‌ای در عمارت دین و چیزی ظاهر‌آمیز تلقی می‌کرد».^۳ با این وجود می‌توان خاموش شدن آتش اختلافات شیعه و سنی را رهاورد فتوت ناصری در دوره حکمرانی این پادشاه مقتدر عباسی دانست. بعد از ناصر نیز از توجه به فتوت شیعی کاسته نشد. مثلاً مستنصر بالله برای پوشیدن سراویل فتوت از بغداد به نجف می‌رود و در کنار ضریح نورانی حضرت علی علیه السلام سراویل فتوت می‌پوشد. «نبویه» گروه دیگری از فتیان سنی شام در قرن ششم هستند. دشمنی با شیعیان از مهم‌ترین خصوصیات آنها بوده است. ابن جبیر درباره این گروه از فتیان شام می‌نویسد: «نبویه سنی هستند و به فتوت و تمام اصول جوانمردی سخت پایبندند و در پذیرفتن افراد به فرقه خود بسیار سخت‌گیرند ... نبویان در هر کجا رافضیان را ببینند ایشان را می‌کشند».^۴ باتوجه به گفته ابن جبیر مبنی بر اینکه شمار شیعیان در دمشق بیشتر از سنیان بوده است^۵ می‌توان تصور کرد که جوانمردان شیعی نیز در این سرزمین بوده‌اند.

در عصر مغول فتوت، باز جایگاه مردمی خود را به دست آورد و در بین صاحبان حرف، پیشه‌وران، طبقات عادی و دیگر طیف‌های جامعه نفوذ و رسوخ یافت و با تصوف نیز ارتباط بیشتری خاصه در ابعاد اجتماعی پیدا کرد. از جمله پیامدهای حمله مغولان، قرابت تنگاتنگ دو جریان فتوت و تشیع

۱. ابن طباطبا، الفخری، ص ۱۷۱.

۲. بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ص ۲۷۲.

۳. سیادت، بررسی پدیده فتوت و علل توجه خلیفه ناصر به آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۸۶.

۴. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۲۸.

۵. همان، ص ۳۴۱.

بود. همسویی آرمان‌های این دو جریان با مطالبات طبقات ستمدیده جامعه، در نفی، طرد و مقابله با مغولان کاملاً روشن است. گروه‌های شیعی‌مذهب می‌کوشیدند که در بازارهای شهر، مردم را گرد آورند. درویشان، پیشگامان این تجمعات در مدح علی علیه السلام بودند. آنان مصائبی را که بر علی علیه السلام و خاندان پیامبر رفته بود، باز می‌گفتند. پهلوانان و عیاران نیز از آنان حمایت می‌کردند. به همین دلیل خانقاه‌های اهل فتوت که به تشیع و آرمان‌هایش چنگ انداخته بود و در صدد بود پایگاه مردمی خود را گسترده‌تر سازد، رو به فزونی نهاد.^۱

اوج پیوند فتوت شیعه‌گرا با حرکت صوفیانه متمایل به دخالت در امور سیاسی - اجتماعی در جنبش شیعه‌مذهب سربداران متبلور می‌شود. استبداد بعضی از سلاطین سنی‌مذهب آل کرت، شیعیان خراسان را واداشت برای رهایی از ظلم آنان به فرقه فتوت پناه ببرند و رهبران فتوت نیز خواستار ستاندن داد آنان شدند. قیام سربداران خراسان به رهبری امیر عبدالرزاق در سال ۷۳۷ ق آشکار شد. بنا به گفته ابن بطوطه بردگان نواحی مختلف از دست خواجه‌گان خود فرار کردند و به سربداران پیوستند و صاحب داری شدند.^۲ او بعد از تسلط بر سبزوار به مدد عیاران، خود را امیر خواند و سکه به نام خود ضرب کرد و خطبه سرداد.^۳ بزرگان و نامداران این جنبش همچون «کلواسفندیار»، «پهلوان حیدر قصاب»، «عبدالرزاق باشتینی» و رهبر جنبش سربداران کرمان؛ یعنی «پهلوان اسد کرمانی» همگی از پهلوانان و عیاران بوده‌اند. نهضت سربداران و جوانمردان خراسان، موج فراگیری از نهضت‌های ضد مغول را دامن زد که اغلب آنها توسط جوانمردان رهبری می‌شد. اصول مساوات‌طلبانه رایج در میان سربداران موجب شده است تا پطروشفسکی این نهضت را همچون گونه‌ای «انقلاب مردمی» مورد نظر قرار دهد و آن را از نظر تاریخی مهم‌ترین نهضت آزادی‌بخش قرن هفتم در خاورمیانه بداند.^۴ علاوه بر روحیه جنگندگی و بیگانه‌ستیزی، مشی عدالت‌طلبی سربداران از نگاه مورخین و سیاحان پنهان‌نمانده است. ابن بطوطه در این خصوص می‌نویسد:

در قلمرو سربداران، آیین عدالت چنان گسترده بود که سکه‌های طلا و نقره در اردوگاه ایشان روی خاک می‌ریخت و تا صاحب آن پیدا نمی‌شد، کسی دست به سوی آن دراز نمی‌کرد.^۵

۱. ولایتی و همکاران، *دانش‌نامه جوانمردی*، ج ۲، ص ۲۰۲.
۲. ابن بطوطه، *سفرنامه ابن بطوطه*، ص ۴۶۴.
۳. پطروشفسکی، *نهضت سربداران خراسان*، ص ۵۲.
۴. همان، ص ۱۰.
۵. ابن بطوطه، *سفرنامه ابن بطوطه*، ص ۴۶۴.

جنبش سربداران مختص به خراسان نبود. هنگامی که تیمور از جیحون گذشت و بر آن شد که شهر سمرقند را تصرف کند، سه سربدار دلیر و جنگاور در سمرقند، به نام‌های مولانا زاده سمرقندی و مولانا خردک بخاری و ابوبکر کلوی نداف، مردم را تشویق و تحریض کردند که در برابر سپاه تیمور پایداری نمایند و شهر را کوچه‌بند کردند و مدتی هم از تهاجم سپاه تیمور جلوگیری نمودند، اما سرانجام شکست خوردند و سربداران سمرقند کشته شدند.^۱

تأثیر تشیع بر فتوت در این عصر را باید در پاره‌ای مناسک تشرف فتیان به آیین فتوت نیز ملاحظه کرد. از جمله این آداب می‌توان به ذکر دوازده امام و روشن نمودن چراغ پنج‌فیتله که به نشانه محبت پنج‌تن آل‌عبا، همچنین قرائت دعای امام جعفر صادق علیه السلام در هنگام گره زدن بر شد اشاره کرد. هرچند در قرن هشتم مجامع اخی‌های آسیای صغیر از مراکز پیوند فتیان با اهل تسنن است؛ باین‌وجود ابن‌بطوطه در پاره‌ای موارد به خانقاه‌ها و اخیانی اشاره می‌کند که شیعه‌مذهب بوده‌اند؛ مثلاً موقعی که در خانقاه اخی شمس‌الدین در بروسه (برصه) سکونت می‌یابد می‌نویسد که روز عاشورا غذای فراوان تهیه و تدارک دیده می‌شد و اهل شهر برای افطار دعوت می‌شدند. در این مجلس، قاریان به آواز خوش، قرآن می‌خواندند و آنگاه کسی به وعظ برمی‌خاست و مراسم سماع نیز برپا می‌گردید.^۲ یا از خانقاهی به نام ابن‌قلم‌شاه در قونیه یاد می‌کند که سند فتوت جوانمردان آنجا به علی علیه السلام می‌رسید.^۳ از عصر صفویه به بعد، به دلیل قرار گرفتن مذهب تشیع در رأس حاکمیت سیاسی، آموزه‌های شیعی در زورخانه‌ها غلبه می‌کنند که در مباحث قبل به آنها پرداختیم.

کلام پایانی آنکه حضرت علی علیه السلام در بین فتیان، جوانمردان و نویسندگان فتوت‌نامه‌ها؛ به‌مثابه قطب، مراد و انسانی کامل و هدایت‌بخش معرفی شده است. باور به متونی مانند تولی‌نامه و تبری‌نامه، الگو بودن علی علیه السلام در دلاوری و سلحشوری، جایگاه والا و قبول عام آن حضرت از جمله دلایل تمایل فتیان به آیین تشیع شده است. از طرفی پیوند یافتن باورهای شیعی با منش پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای منعکس‌کننده بخش دیگری از مؤلفه‌های شیعی فتوت می‌باشد. در ورزش زورخانه‌ای ترویج مناسک و آموزه‌های شیعی ذیل دو محور شکلی و اندیشه‌گانی در خدمت تبلیغ و ترویج شعائر، مناسک و اندیشه‌های تشیع بوده است. رویکرد اعتراضی و مبارزه‌طلبی جوانمردان شیعی با سیاست‌های ظالمانه خلفای اموی، عباسی و حاکمان سفاک مغول و اخلاف آنها، نمایانگر وجه دیگری از مؤلفه‌های شیعی آیین فتوت می‌باشد.

۱. افشاری و مدائنی، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ص ۴۲.

۲. ابن‌بطوطه، سفرنامه ابن‌بطوطه، ص ۳۷۳ - ۳۷۲.

۳. همان، ص ۳۵۶.

نتیجه

نظر به اینکه مرام اجتماعی و آرمانی شیعه نسبت به وضعیت جامعه و گفتمان مسلط همواره به‌عنوان جریانی در اقلیت و حاشیه قدرت زیست کرده، و آرمان‌های عدالت‌خواهانه و ستم‌ستیزانه خود را دنبال نموده است، از این منظر با آیین جوانمردی و عیاری تناسب و سازگاری تام و تمام یافته است؛ چرا که آیین جوانمردی از یک سو همواره به‌عنوان بخش حاشیه‌ای جهان تصوف قرار داشته و از سوی دیگر در کسوت گروه‌های عیار به‌عنوان منتقدان و معترضان قدرت در حاشیه بوده‌اند. جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی این دو جریان مبتنی بر دادخواهی حقوق مردم از حاکمان و مبارزه با ظلم و حکام ظالم بوده است؛ به‌گونه‌ای که در ادوار پر آشوب تاریخی، مأمّن و مأوای مردم ستم‌دیده شده‌اند. به‌نظر می‌رسد که این دو وضعیت در اقلیت و حاشیه بودن شیعه نسبت به قدرت مرکزی و خلافت اسلامی؛ همچنین در حاشیه بودن جوانمردان و عیاران نسبت به حکومت‌های مرکزی و فراگیر باعث شده است که آیین جوانمردی و جریان تشیع به‌مثابه آینه‌های متقابل، همدیگر را بازتاب داده و بازتکثیر نموده‌اند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه حمیدرضا آژیر، ج ۱۰ و ۱۲، تهران، اساطیر، کتابخانه دیجیتال، ۱۳۸۲.
۲. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۶، تهران، سپهر دانش، کتابخانه دیجیتال، ۱۳۷۶.
۳. ابن جبیر، محمد بن احمد، *سفرنامه*، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۴. ابن طباطبای، محمد بن علی، *الفخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۳، ۱۳۶۷.
۵. ابن معمار، محمد بن ابوالمکارم، *کتاب الفتوت*، مقدمه و تحقیق مصطفی جواد، بغداد، مکتب المثنی، ۱۹۵۷ م.
۶. افشاری، مهران و مهدی مدائنی، *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*، تهران، چشمه، چ ۳، ۱۳۸۸.
۷. انصاف‌پور، غلامرضا، *تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های زورخانه‌رو*، تهران، فرهنگ و هنر، چ ۱، ۱۳۵۳.

۸. بهار، مهرداد، *از اسطوره تا تاریخ*، گردآوری ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، چشمه، ۱۳۷۶.
۹. بیانی، شیرین، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ج ۲، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۱۰. پرتو بیضایی کاشانی، حسن، *تاریخ ورزش باستانی ایران*، تهران، زوار، ۱۳۸۲.
۱۱. پطروشفسکی، ایلیا پاولیچ، *نهیض سربداران خراسان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۱.
۱۲. پناهی، مهین، «جوانمردی، مترادف‌ها و مؤلفه‌های آن در متون عرفانی»، *پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی*، ش ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۲ - ۱.
۱۳. جوینی، عطاملک، *تاریخ جهانگشای جوینی*، براساس نسخه علامه محمد قزوینی، به اهتمام احمد خاتمی، ج ۱، تهران، نشر علم، ۱۳۸۷.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، سازمان لغت‌نامه دهخدا با همکاری انتشارات روزبه، ۱۳۷۷.
۱۵. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، «فتوت و تشیع»، *مجله معارف*، دوره نوزدهم، ش ۱، ص ۱۵۲ - ۱۴۵، فروردین - تیر ۱۳۸۱.
۱۶. رضوی، سید مسعود، *تاریخ و فرهنگ جوانمردی*، تهران، اطلاعات، ج ۲، ۱۳۹۵.
۱۷. رهبری، عباس، «گود مقدس زورخانه را حرمت نهیم»، *تلاش*، ش ۱۴، تهران، ۱۳۴۷.
۱۸. ریاض، محمد، *فتوت‌نامه*، به انضمام رساله فتوتیه میرسید علی همدانی، تهران، اساطیر، ج ۲، ۱۳۸۸.
۱۹. زرین کوب، عبدالحسین، *جستجو در تصوف*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۲۰. زرین کوب، عبدالحسین، *دو قرن سکوت*، تهران، انتشارات علمی، ج ۲، ۱۳۳۶.
۲۱. سعدی، مصلح بن عبدالله، *گلستان*، تهران، امیرکبیر، ج ۱، ۱۳۸۷.
۲۲. سلمی، ابو عبدالرحمن، *جوانمردی و جوانمردان (الفتوه)*، ترجمه قاسم انصاری، تهران، حدیث امروز، ۱۳۸۵.
۲۳. سیادت، سید عبدالرزاق، *بررسی پدیده فتوت و علل توجه خلیفه ناصر به آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.
۲۴. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، *قلندریه در تاریخ*، تهران، سخن، ج ۴، ۱۳۹۴.
۲۵. شبلی، کامل مصطفی، *همبستگی میان تصوف و تشیع*، ترجمه علی اکبر شهابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
۲۶. صدیق ایمانی، مصطفی، «آیین جوانمردی، زورخانه و ورزش باستانی در روند تاریخ»، *کتاب ماه هنر*، ش ۱۲۱، ص ۵۷ - ۴۲، مهر ۱۳۸۷.

۲۷. صراف، مرتضی، *رسایل جوانمردان (مشمول بر هفت فتوت نامه)*، تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه و شرکت انتشارات معین، چ ۲، ۱۳۷۰.
۲۸. طوسی، احمد بن محمد، *الهدایة السعدیة فی معان الوجدیة یا رساله‌ای به فارسی در سماع و فتوت*، به اهتمام احمد مجاهد، تهران، منوچهری، ۱۳۶۰.
۲۹. عروج‌نیا، پروانه، «جوانمردی و فتوت: تمایز و تشابه»، *کتاب ماه فلسفه*، ش ۷۹، ص ۴۱ - ۳۳، فروردین ۱۳۹۳.
۳۰. عقیقی، ابوالعلاء، *ملا متیه، صوفیه و فتوت*، ترجمه نصرالله فروهر، تهران، الهام، ۱۳۷۶.
۳۱. کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق، *تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان*، با مقدمه و تصحیح و تعلیق محمد دامادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
۳۲. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، *فتوت نامه سلطانی*، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران، انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
۳۳. کاظمینی، کاظم، *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در حیات اجتماعی و سیاسی ملت ایران*، بی‌جا، انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۴۳.
۳۴. کرین، هانری، *آیین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، تهران، سخن، چ ۲، ۱۳۸۵.
۳۵. کرمی پور، حمید، «بررسی ابعاد اجتماعی آیین فتوت در خراسان از قرن سوم هجری تا قرن ششم هجری»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال سوم، ش ۱، ص ۱۱۳ - ۸۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۳۶. معین، محمد، *فرهنگ معین*، به اهتمام عزیزالله علیزاده، تهران، نامن، ۱۳۸۶.
۳۷. میدی، ابوالفضل، *کشف الاسرار و عده الابرار*، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۹.
۳۸. نفیسی، سعید، *سرچشمه تصوف در ایران*، تهران، فروغی، ۱۳۶۸.
۳۹. ولایتی، علی اکبر و همکاران، *دانش نامه جوانمردی*، ج ۱ و ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی